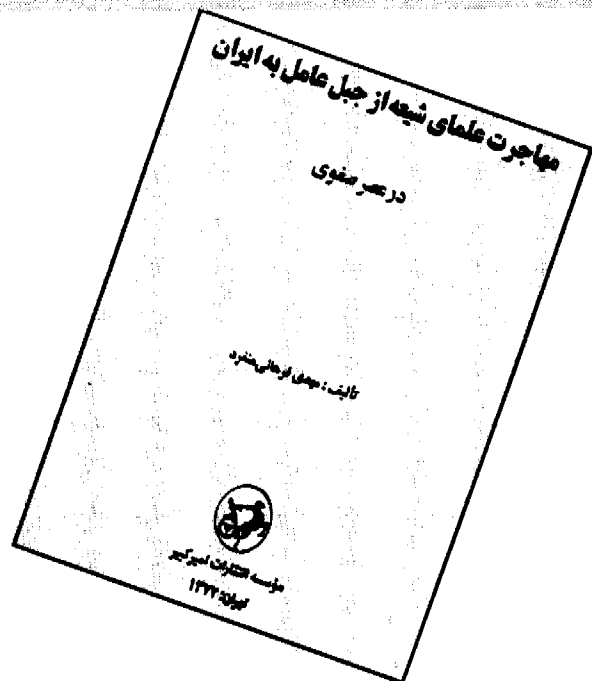


مهاجرت علمای جبل عامل به ایران در عهد صفوی

محمد کاظم رحمتی



مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران در عهد صفوی. تألیف: مهدی فرهنگی منفرد، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، رقععی، ۲۱۶ ص.

گرچه تشیع از همان قرون نخست اسلامی به دلیل مهاجرت قبایل عرب به برخی از مناطق ایران در این کشور حضور داشت، اما تا زمان ظهور صفویان دین رسمی کل کشور نگردید. با برآمدن صفویان، آنان به هر انگیزه‌ای تشیع را دین رسمی قلمرو خود اعلام کردند و برای تقویت تشیع، دعوت از فقهای شیعی ساکن در خارج قلمرو صفویان آغاز گردید. این مسأله به دلیل اهمیتی که در تاریخ اجتماعی، فکری، سیاسی ایران دارد، کانون مطالعات اخیر تاریخی قرار گرفته است. در کنار نگارش سه کتاب که مستقلاً به این مسأله پرداخته اند^۱، مقالات مختلفی راجع به این مسأله نگاشته شده است و مطالب دیگری در فصول برخی کتاب‌های تحقیقی راجع به این دوره می‌توان یافت. در مقاله حاضر ضمن گزارشی از برخی مطالعات ذکر شده، به بررسی یکی از این تحقیقات مستقل پرداخته ایم. اما قبل از آغاز بحث، نکاتی را باید تذکر داد که توجه به آنها در ارایه تحلیل از این مسأله می‌تواند رهگشا باشد.

نکته‌ای که در برخی تحقیقات، به چشم می‌خورد، نبود یک روش منسجم در طرح این مسأله است. سؤالاتی که می‌توان راجع به این هجرت، طرح کرد، این پرسش‌ها می‌باشد:

۱. انگیزه فقهای مهاجر برای آمدن به ایران چه بوده است؟
 ۲. ماهیت این مهاجرت‌ها چگونه بوده است؟ آیا می‌توان با معیارهای جامعه‌شناسانه به این حرکت نگریست؟
 ۳. تأثیر فکری این مهاجرت بر تاریخ اندیشه در ایران چه بوده است؟ چه پرسش‌های به واسطه این حرکت در تاریخ اجتماعی ایران طرح گردید و این سؤالات تا چه حد در تحول اندیشه‌های اجتماعی - فکری ایرانیان مؤثر بود؟
- در پاسخ به سؤال نخست، دلایل مختلفی ارائه شده است.

۱. در مورد این کتاب‌ها بنگرید به: دیباچه کتاب مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران، ص ۱۶-۱۷.

شده است. به عبارت دیگر می توان گفت که این لقب برای ذکر علمای برجسته در این دوران بوده است.^۵ در تأیید این مطلب می توان به کاربرد این لقب در قبل از صفویه اشاره کرد.^۶ با توجه

۲. Abisaab, *The Ulama of Jabal Amil*, p105.

گرچه فقهای مهاجر، از حیث دستیابی به جایگاه اقتصادی تمایلات یکسانی نداشته اند. در این دوره در جبل عامل دو خط فکری متفاوت وجود دارد: خط فکری کرکی و شهید ثانی. در مورد محقق کرکی ما شاهد تصدی مقامات بالای حکومت از همان اوان برآمدن صفویان هستیم. اما خط فکری شهید ثانی بر پرهیز از تصدی مقامات حکومتی بود. این مسأله حتی در مورد فقهای وابسته به این خط فکری که به مقامات بالا در حکومت صفوی دست یافتند، قابل مشاهده است. به عنوان مثال علی بن محمد بن حسن بن زین الدین (م ۱۰۳۰) می نویسد: «زمانی که من به ایران آمدم، آنچه که موجب آن گردید، از روی جبر نبود و از آنچه که مشتبه بود، خوردم و راهی خلاف طریق آباء و پدرانم در پیش گرفتم. از من فیض و صلاحی که در اوایل سن بر من عارض گشته بود، سلب گردید... من همانند لک لکی هستم که سعی دارد همچون بازی عمل کند. پای دنیا و آخرتم بشکسته است و تنها امید به عفو الهی دارم و حسن ختام از سوی او. الدر المنثور، ج ۲، ص ۲۴۲. این در حالی است که وی در ایران مورد توجه بوده است. در مورد این تمایل شهید ثانی بنگرید به: التنبیهاث العلیه، تحقیق صفاءالدین البصری، ص ۱۶۷ به بعد، خصوصاً صفحات ۱۷۸-۱۸۱؛ رساله المقصد الحسینی، نوشته حسین بن عبدالصمد، تحقیق محمدحسن روحانی، در میراث اسلامی ایران، ج ۱۰ ص ۲۱۷، ۲۱۹-۲۲۰.

۳. توجه به علم حدیث و نگارش آثار بسیار مهم رجالی و علوم وابسته به حدیث در دوره قبل از استرآبادی نقش مهمی در احیای حرکت اخباری گری داشته است. شهید ثانی کتاب های چون الدرایه فی علوم حدیث (نجف، مطبعة النعمان، بی تا)، الرهایه فی علم الدرایه (تحقیق عبدالحسین بقال، قم ۱۴۱۳) و فنیة القاصدین فی معرفة اصطلاحات المسحذین نگاشت. (الدر المنثور، ۱۸۸/۲) شیخ حسین بن عبدالصمد، کتاب وصول الاخبار الی اصول الاخبار را نوشت (تحقیق عبداللطیف کوه کمری، قم ۱۴۰۱)، شیخ حسن بن زین الدین، متقی الجمان و تحریر طاووسی را نگاشت. شیخ بهایی و جیزه ای در علم الدرایه و کتاب مشرق الشمین و اکسیر السعادتین را در علم الحدیث نگاشت.

۴. بنگرید به مقاله او در کتاب ذیل:

Arjomand, (ed), *Authority and Political Culture in Shiism* (albany 1988) pp: 80-97, esp: 81-84.

همچنین بنگرید به کتاب مهاجرت علماء جبل عامل، ص ۱۲، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۱۳، ۱۴۹.

۵. وقایع السنین والاعوام: مجتهد الزمانی برای محمدباقر سبزواری (م ۱۰۹۰) ص ۵۰۲، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۳، ۵۶۶، و محمد اسماعیل خاتون آبادی (م ۱۱۱۶) ص ۵۰۵؛ مجتهد عصر برای شیخ صالح بحرانی (م ۱۰۹۸) و میرزا رحیم شیخ الاسلام اصفهان، ص ۵۷۲ و میر محمد مهدی حسینی (م ۱۱۸۳) ۵۷۲؛ مجتهد الزمانی برای سیدحسین خلیفه سلطان، ص ۵۸۳. همچنین بنگرید به بحار الانوار، ۲۱/۱۱۰ لقب خاتم المجتهدین برای میر فندر سکی.

۶. روضات الجنات، ۶۹/۱، بحار، ۶/۱۱۰ برای شهید اول.

برخی بر جنبه هایی اقتصادی این حرکت تأکید کرده اند و حرکت عاملی ها را تلاش هوشمندانه جهت کسب پایگاه اجتماعی در ایران توصیف کرده اند. گرچه نمی توان منکر این مسأله شد که فقهای عاملی در ایران قرب و ارج والای به دست آوردند، اما همان گونه که برخی محققان اشاره کرده اند، فشار عثمانی بر مراکز شیعی خارج از قلمرو صفویه و عدم امکان فقهای عاملی در احراز مناصب تدریس و افتا و آزادی تدریس و خطرات جانی در نواحی جبل العامل، از دیگر عوامل محرک برای مهاجرت به ایران می باشد.^۲

در مورد سؤال دوم نیز نکاتی را برخی محققان اشاره کرده اند. مفهوم عاملی بودن از مسائل مورد نزاع می باشد. فقهایی که در نواحی جبل العامل متولد شده اند و در همان جا به تحصیل پرداخته اند، طبیعی است که عاملی به حساب آیند؛ اما نسل های دوم یا سوم که در ایران به دنیا آمده اند و در همان جا به تحصیل پرداخته اند، هنوز در منابع عصر صفوی به عنوان فقهای عاملی به حساب می آیند.

در مورد حرکت فکری عاملی ها نباید از نقش مهم آنها در احیاء حرکت اخباری گری غفلت کرد. گرچه بیشتر آنها اصولی مشرب بودند، اما با نگارش آثاری، روند احیای حرکت اخباری گری را تشدید کردند. در مورد این نکته در پی نیز سخن خواهیم گفت.^۳

منبعی مهم و مغفول

در میان منابع مختلف موجود از عصر صفوی که به چاپ رسیده اند، کتاب وقایع السنین والاعوام نوشته سید عبدالحسین خاتون آبادی (م ۱۱۰۵) از جهات چندی مهم می باشد: نخست آن که در تمام مطالعات انجام شده در مورد مهاجرت علمای جبل العامل و تحقیقات مرتبط با وضعیت علما در استفاده دقیق از این کتاب غفلت شده است. دیگر آن که این کتاب تألیف یکی از علمای عصر صفوی است که وقایع جهان را از آغاز خلقت تا سال ۱۰۹۵ نگاشته است. از آن جایی که نویسنده خود از علمای این دوره بوده، در معرفی و ذکر القاب فقها، نوشته اش از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در اکثر منابع عصر صفوی، لقبی با عنوان مجتهد الزمانی و خاتم المجتهدین برای معرفی چند فقیه به خصوص محقق کرکی (م ۹۴۰)، پسرش عبدالعالی بن علی کرکی (م ۹۹۳) و نوه دختریش میرحسین مجتهد کرکی (م ۱۰۰۱) ذکر شده است. بر همین مبنا سعید امیر ارجمند در مقاله ای این عنوان را بیان کننده منصبی در عصر صفوی دانسته است که تنها همین چند فقیه برجسته بدان دست یافته اند.^۴ در اثر خاتون آبادی بارها لقب مجتهد الزمانی برای فقهای متعددی ذکر



به نکات ذکر شده به بررسی نکاتی در مورد برخی تحقیق‌ها در مورد مهاجرت فقهای عاملی به ایران می‌پردازیم.

افسانه مهاجرت علما به ایران عصر صفوی^۷

نیومن در مقاله‌ای با عنوان فوق به بررسی مفصلی در مورد علی بن عبدالعالی کرکی و مخالفت علمای شیعی عرب با وی به دلیل همکاری با صفویان پرداخته است. نیومن در مقاله خود به دو نکته مهم اشاره کرده است. نخست آن که وی مدعی است، مهاجران را نمی‌توان همچون گروهی متمایز و یکپارچه دانست که در عرصه سیاست و فرهنگ عصر صفوی نقش فعالی ایفا کرده‌اند. دوم آن که بر مناطق شیعی نشین خارج از قلمرو صفویه فشاری از جانب عثمانی‌ها نبوده است، تا بتواند انگیزه‌ای برای مهاجرت گردد.^۸ در ادامه نیومن به بررسی حیات شیخ علی بن عبدالعالی کرکی پرداخته و به نحوی وقایع نگارانه حیات کرکی در ایران و این دوره بررسی نموده است.^۹

از لحاظ ساختاری و خطاهای تاریخی، نخست ریولا جوردی ایسباب (Rula Jurdi Abisaab) در مقاله‌ای با عنوان «علمای جبل‌العامل در ایران صفوی، نقش حاشیه‌ای، مهاجرت و تغییر اجتماعی» به بررسی برخی کاستی‌های نیومن اشاره کرد.^{۱۰} از لحاظ الگوی مهاجرت ایسباب توجه را به شکل خاص مهاجرت علمای جبل‌العامل جلب نمود. او به وجود روابط خویشاوندی میان علمای مهاجر و تصدی مناصب دینی این دوره در بین خانواده‌های مهاجر که گاهی در چند نسل متوالی نیز بود، اشاره نموده است.^{۱۱} همچنین وی با تأثیر فرهنگی علمای مهاجر بر اساس تربیت شاگردان مختلف که هر کدام به شکل تقریباً غالبی سنت فکری اساتید خود را تبلیغ می‌کردند و اغلب مناصب مهم حکومتی را به اعتبار اساتیدشان به دست می‌آوردند، اشاره دارد.

در مورد عدم وجود فشار یا آزار و اذیت فقهای شیعی در مناطق خارج از سیطره صفویان، به شهید اول و شهید ثانی اشاره شده است. در حقیقت دو مورد ذکر شده، از مهم‌ترین شواهد موجود است.^{۱۲} در عصر صفوی، ما شاهد نگارش رسایل و کتاب‌های متعددی بر ضد شیعه به قلم فقهای حنفی و شافعی هستیم. فتوهای ضد شیعی متعددی در این دوره بر ضد شیعیان صادر شده است.^{۱۳} گرچه این وضعیت یک طرفه نبوده است. در مقابل برخی فقهای عصر صفوی نیز به نگارش کتابی در تکفیر عامه پرداختند.^{۱۴} حسن بن علی کرکی (زنده به سال ۹۷۲) کتابی به عنوان «مدعاه المقال فی کفر عامه اهل ضلال در سال ۹۷۲ نگاشت و آن را به شاه طهماسب تقدیم نمود.^{۱۵} میرحسین مجتهد، نوه

دختری کرکی، رساله‌ای با عنوان «نقض دعامة اهل الخلاف فی کفر عامه اهل خلاف»، در پاسخ به سؤال شاه طهماسب نگاشت. افندی به چند رساله کوتاه ضد سنی دیگر که او نوشته اشاره دارد.^{۱۶} نگارش این کتاب‌ها در این برهه تلاشی بود جهت مقابله با فتوهای ضد شیعی شیخ الاسلام مقتدر استانبول، شیخ ابوسعود بن محمد بن مصطفی العمادی (م ۹۸۲) که به مدت چهل سال (۹۵۲ تا ۹۸۲) شیخ الاسلام پایتخت عثمانی‌ها بود و فتوهای ضد شیعی فراوانی صادر نمود.^{۱۷}

7. Newman, A.J, The Myth of the Clerical migration to Safavid Iran, Die Welt des Islm, 33, 1993, 66-112.
8. Newman, op. cit, p: 67.
9. Newman. op.cit, esp, pp: 78-80, 96-104.
10. The Ulama of Jabal Amil in Safavid Iran, 1501-1736: Marginality Migration and Social change, Iran Studies, 27, 1994, pp: 103-122.

بخش‌های از این مقاله ترجمه و در مجله حکومت اسلامی، شماره هفتم به چاپ رسیده است.

11. Abisaab, op.cit, pp: 108-110.

افزون بر مثال‌های ذکر شده، می‌توان از تداوم منصب شیخ الاسلامی هرات برای فرزندان شیخ حسین بن عبدالصمد (م ۹۸۴) تا زمان صاحب ریاض اشاره نمود. (ریاض، ۱۲۴/۳) در مورد روابط خویشی بین عاملی‌ها، همان، ۸/۴، ۴۱۷-۸/۳، ۱۳۲/۳، و تعلیقه بر امل الامل، ص ۳-۶۲.

۱۲. موارد دیگر را بنگرید در: ریاض ۲/۳۹۹، ۳/۲۴۸-۵۳/۳، ۳/۳۹۹، ۴/۳۶۲، ۵/۲۶۵.

13. see: Elke Eberhard, Osmanische Polemik gegen die Safawiden im 16, 1970.

۱۴. نکته جالب توجه نام‌های از میرداماد است که به فقهای سنی نوشته است و در آن بر مسلمان بودن شیعیان تأکید کرده است. اما زمانی که از میرداماد حکم غازیان با عثمانی را پرسیدند، او آنها را مجاهد و ماجور و کشته شدگان را شهید معرفی کرد. طبعاً کشته شدگان طرف مقابل نبایستی شهید و ماجور باشند. ر.ک: مجله حکومت اسلامی، شماره اول، ص ۸-۲۴۷. مقایسه کنید با مقدمه کتاب تقویم الایمان از همو.

۱۵. ریاض العلماء، ۱/۲۶۰، ۳/۱۳۱، ۵/۳۳۱، و الاثنا عشریه فی الرد الصوفیه، شیخ حر عاملی (م ۱۱۰۴) ص ۵۰-۵۱، ۱۷۸. فحوای عبارت صاحب ریاض این است که منظور از اهل ضلال، عامه‌اند. اما منقولات موجود، کتاب را اثری ضد صوفی نشان می‌دهد.

۱۶. ریاض العلماء، ۲/۶۷-۶۸. بخشی از رساله «فی بیان حال اهل الخلاف فی النشأتین» وی را افندی نقل کرده است. همان، ۵/۵۰۴-۵۰۶.

۱۷. در مورد این فتواها بنگرید به:

- Eberhard, op.cit, p: 50-51

ارجاع به این کتاب به واسطه نوشته‌ای از استوارت است. در مورد شرح حال وی ر.ک: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۵/۲۱-۵۱۹.

کردن وی را بر مؤمنان واجب می‌داند. ۲۰ در مورد اخذ زکات نیز می‌نویسند: «فرض این است که زکات را به پیامبر بدهند ... در زمان غیبت زکات را به فقها می‌بایست داد ...؛ چرا که آنان در مورد مصرف نمودن آن عالم‌تر می‌باشند.» ۲۱ با توجه به این اظهارات، چندان دقیق نخواهد بود که بگویم شهید اول به فقه شیعه جنبه‌های سیاسی‌ای داد که در آثار فقهای قبلی حضور روشنی نداشته است.

در بحث از مشروعیت حکومت صفوی، ایشان بحثی با عنوان «نمونه‌های دیگر از تکاپوی مهاجران عاملی» برای تبیین مشروعیت حکومت صفوی آورده‌اند. (ص ۱۲۱ به بعد). در مورد این که تلاش‌های حدیثی برای تبیین مشروعیت صفویان انجام شده است، تردید نمی‌توان کرد؛ ۲۲ اما باید توجه کرد که این پژوهش مربوط به بررسی موضع عاملی‌ها در این مورد می‌باشد، که متأسفانه اکثر مطالب نقل شده، از قول فقهای غیر عاملی است. در مواردی که از قول عاملی‌ها نیز مطالبی نقل شده است، به نظر می‌رسد اشکالاتی را بتوان بیان کرد. ایشان به نقل از مؤلف خلاصه التواریخ حدیثی از قول شیخ بهایی آورده‌اند که در آن اشاره شده است که در زمانی شخصی حامی اهل بیت از اردبیل ظهور خواهد کرد که دوازده هزار نفر او را همراهی می‌کنند. ۲۳ در ادامه آن مطلبی مؤید قول ذکر شده، از قول استاد پدر شیخ بهایی، یعنی سیدحسن بن جعفر کرکی (م ۹۳۶) بیان شده است؛ مبنی بر این که زمانی که در اوآن حکومت صفوی به ایران آمده است، همراه شاه اسماعیل سپاهی به این تعداد مشاهده کرده است. ۲۴ اگر به عبارت مؤلف خلاصه التواریخ توجه کنیم به نظر می‌آید که این توجیحات تا

در مورد فعالیت‌های جدلی ازبکان اطلاعات اندکی وجود دارد. از مهم‌ترین عالمان سنی که تلاش‌های ضد شیعی بارزی از خود نشان داده است، می‌توان به فضل‌الله بن روزبهان خنجی اشاره کرد. در مورد شهادت دو تن از عالمان شیعی به دست ازبکان نیز آگاهی‌های در دست است. ۱۸ در مقابل چنین نظراتی دیدگاه‌های برخی از علمای صفوی شایان توجه است. مقدس اردبیلی (م ۹۹۲) بدگوی و غیبت اهل سنت را جایز نمی‌دانست؛ در حالی که در عراق و تحت قلمرو عثمانی‌ها زندگی می‌کرد. ۱۹ نوشته مهم دیگر در مورد مسأله مهاجرت عاملی‌ها، کتاب مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران در عصر صفوی، نوشته آقای فرهانی منفرد می‌باشد. این کتاب در حقیقت پایان‌نامه مؤلف است و از یک دیباچه و پنج فصل تشکیل شده است.

نویسنده در فصول اول و دوم به پیش‌زمینه‌های تشیع و ظهور حکومت صفوی اشاره کرده و از فصل سوم به بعد به مسأله مهاجرت عاملی‌ها به ایران و مسائل مرتبط با آن پرداخته‌اند. مباحث و مطالب طرح شده در این کتاب گسترده و از حیث بحث در مورد مهاجرت و اهمیت آن، تحقیق جامعی است. گرچه نکات قابل تأملی نیز در آن وجود دارد، که در پی به آنها اشاره می‌شود. ذکر این نکته ضروری است که موارد ذکر شده به هیچ وجه از ارزش این اثر نمی‌کاهد و برخی از خردگیران‌ها در حقیقت بر برخی منابع مورد استفاده ایشان بر می‌گردد. یکی از منابع مورد استفاده ایشان کتاب تشیع و تصوف به قلم کامل مصطفی شیبی است که در حقیقت برخی از این ایرادها در اصل به کتاب شیبی وارد است. در ذیل به اجمال به این موارد اشاره می‌کنیم:

در مورد مکتب فقهی شهید اول نوشته‌اند: شهید اول «... به جنبه‌های سیاسی و حکومتی توجه داشت و به فقیهان شیعه در امور سیاسی اختیارات ویژه‌ای می‌داد. فقیهانی که بعدها به ایران آمدند، از همین سنت علمی پیروی می‌کردند.» (ص ۱۱) در صفحه ۷۱ نیز همین مطلب را تکرار کرده‌اند و اشاره نموده‌اند: «نظرات شهید اول در مقایسه با فقیهان قبل از او متفاوت است.» (همچنین ر. ک: ص ۱۰۴)

به واقع دیدگاه‌هایی همانند با شهید اول را شیخ مفید (م ۴۱۳) در اثر فقهی خود المقتنه بیان کرده است. شیخ مفید در مورد اقامه حدود می‌نویسد: «اقامه حدود بر عهده سلطان اسلام منصوب شده از جانب خدا است و آنها ائمه اطهارند و هر کسی که آنان برای این امور منصوب کرده باشند، و همچنین انجام این امور را به فقهای شیعه در صورت امکان داده‌اند.» شیخ حتی جهاد با کفار را در صورت امکان بر عهده فقیه می‌داند و یاری

۱۸. ریاض، ۲/۳، ۲۰۶، ۲۲۲، ۵۳-۲۴۸، ۴/۳۶۲.

۱۹. جواهر الکلام، ۲۲/۶۲. قضاوت صاحب جواهر درباره رأی اردبیلی بسیار شگفت می‌نماید.

۲۰. المقتنه، ص ۸۱۰-۸۱۱.

۲۱. پیشین، ص ۲۵۲.

۲۲. بنگرید به: بحار الانوار، ۵۲/۲۴۲؛ فهرست نسخ خطی آقای سیدمحمد مشکاة، ۳/۵/۱۲۰۷-۱۲۰۸، ۸۶-۱۳۸۵، ۱۲۱۰-۱۲۱۱، ۱۲۱۲-۱۲۱۳.

۲۳. عدد دوازده هزار نفر که در این مورد ذکر شده است، مبتنی بر این گفته منسوب به پیامبر است که فرموده‌اند: «سپاهی که ۱۲ هزار نفر در آن باشند، شکست نخواهند خورد.» ر. ک: مخلف الشیعه، ۴/۱۱-۳۱۰.

۲۴. مشکلی در مورد آمدن این فقیه به ایران وجود دارد، این است که به جز این منبع، دیگر منابع از آمدن این فقیه به ایران خبر نمی‌دهند. ر. ک:

D.J. Stewart, Notes on the Migration of amili Scholar to Safavid Iran JNES, 55, 2, 1996, p: 88, note 37

این مقاله نقدی بر نوشتار نیومن است که به طور کامل توسط راقم همین سطور به فارسی ترجمه شده است.

حدی نظر خود او است تا شیخ بهایی: «مؤلف فقیر حدیثی از حضرت شیخ ... بهاء ... الدین العاملی شنیدم که دلالت بر ظهور شاه ... اسماعیل ... می نمود ... آن حضرت فرمودند که این حدیث را به نوعی که از مرحوم پدر خود شیخ حسین بن عبدالصمد ... شنیدم، این است ... ۲۵». در ادامه ایشان از رساله اربعین منسوب به شیخ حسین بن عبدالصمد، چند حدیث در حمایت از دولت صفوی و لزوم اطاعت از ایشان آورده اند. ۲۶ (ص ۸-۱۲۷) در پی نوشت همان فصل از قول دانش پژوه، مؤلف رساله را شهاب الدین عبدالله بن محمود بن سعید شوشتری (م ۹۹۷) ذکر کرده اند. در حقیقت نظر دانش پژوه درست است و به این دلیل نمی توان این مطالب را توجیحات عاملی ها دانست. ۲۷

در بحث از همکاری فقها با صفویان این نکات را می توان افزود: ۲۸ ایشان در مسأله تغییر قبله، مخالفت دشتکی با کرکی را مخالفت با داعیه اجتهاد کرکی دانسته اند. در حالی که در این مسأله کرکی مورد انتقاد دیگر فقها نیز قرار گرفته است که با داعیه اجتهاد کرکی مخالفت نداشته اند، و تنها معلومات کرکی را در این مورد ناکافی می دانسته اند. ۲۹

در مورد شیخ حسین بن محمد بن حیدر کرکی (م ۱۰۷۶)، علت سفر وی را از ایران به هند مشاهده وضع دربار صفوی ذکر کرده اند. (ص ۱۳۵) در حالی که در این دوره علمای ایرانی و عاملی هر دو به دلیل وجود حکومت شیعی قطب شاهی در حیدرآباد (۹۱۸-۱۰۹۸) به آن جا سفر می کرده اند و در منابع اشاره ای به نارضایتی شیخ حسن بن محمد کرکی و علت سفر وی به حیدرآباد نشده است. ۳۰

در مورد مهاجرت شیخ حسین بن عبدالصمد از ایران و اقامت در بحرین نوشته اند: بحرین نیز چون جبل عامل برای او جز فقر و گمنامی چیزی نداشت (ص ۱۳۲). در حالی که در بحرین از او استقبال شد و به شدت مورد تکریم قرار گرفت و حلقه بحثی نیز در آن جا داشته است. ۳۱

برپایی نماز جمعه و مشروعیت صفویان ۳۲

برپایی نماز جمعه در دوره صفویه از مسائل مورد نزاع بوده است. اما مسأله ای که در نوشته آقای فرهانی اظهار شده است، این نظر است که عالمان صفوی با برپایی نماز جمعه، سعی در تقویت مشروعیت صفویان کرده اند. (ص ۱۱۸ به بعد). ۳۳ در مورد برگزاری نماز جمعه، دیدگاه کرکی و پسرش عبدالعالی و نوه اش میرحسین، و خوب تخییر است، ۳۴ اما مدرک دقیقی از برپایی نماز جمعه از سوی این سه تن در دست نیست، بلکه

شواهدی بر ضد آن نیز وجود دارد. ۳۵ حسین بن عبدالصمد در

۲۵. متن خلاصه التواریخ که آقای اشراقی تصحیح کرده اند، در این جا آشفته است. بنگرید به: فارسنامه، ۳۶۹/۱، فهرست مشکاة، ۱۲۰۹/۵/۳.

۲۶. در مورد احادیث مورد اشاره، ذکر این نکات ضروری می باشد: حدیث اول که به اطاعت بی قید و شرط از سلطان عادل دلالت دارد، به امام معصوم اشاره دارد. برای موارد دیگر از به کارگیری لفظ سلطان عادل در معرفی امام معصوم، بنگرید به: جامع المقاصد، ۳۷۱/۳، ۳۷۹. اما حدیث دوم می تواند چنین دلالتی داشته باشد. ر. ک: الامالی، تحقیق مؤسسة البعثة، ص ۴۱۸، شماره های ۵۵۳، ۵۵۴.

۲۷. این کتاب را سیدحسین بن حیدر کرکی (متوفی بعد از ۱۰۳۸) شاگرد شیخ بهایی نزد تاج الدین حسین بن شمس الدین صاعدی، شاگرد مولی عبدالله شوشتری مؤلف اربعین سماع نموده است. ر. ک: فریعه، ۴۲۰/۱، همان ص ۸۵-۱۸۴، روضات الجنات، ۲۳۳/۴. رساله اربعین شیخ حسین بن عبدالصمد در میراث حدیث شیعه جلد دوم چاپ شده است و احادیث منقول در آن وجود ندارد.

۲۸. مطالب قابل ذکری در مورد کرکی نیز وجود دارد. گفته شده است که کرکی در نصب و عزل برخی افراد دخالت داشته است. اصل این مطلب درست است؛ اما برخی موارد ذکر شده توسط ایشان اشکالاتی دارد. در سال ۹۳۵ میر نعمت الله حلی (م ۹۴۰) که از شاگردان کرکی بود، به مشارکت شاه قوام الدین اصفهانی (م ۹۳۶) به مقام صدر منصوب شد. بعد از فوت اصفهانی، میرغیاث الدین منصور دشتکی به این مقام منصوب شد. (Newman, pp: 97-100)

۲۹. امل الامل، ۷۵/۱، به نقل از همو، ریاض، ۱۱/۲، تلخیص نوافض الروافض، نسخه متعلق به آیت الله روضاتی، ب ۳۷. صاحب ریاض این ماجرا را به تفصیل از تاریخی فارسی نقل کرده است. (ریاض ۲/۴۵۴، فارسنامه، ۹۱-۳۹۰) در مورد شرح حال شریقی بنگرید به کتاب تراجم الاصبان نوشته حسن بن محمد بورینی (۹۶۳-۱۰۲۴)، تحقیق صلاح الدین منجد، دمشق ۲/۵۲-۵۶. در این کتاب مؤلف شرح حال برخی دیگر از رجال سنی ایرانی مثل سید شرف الدین حسنی از سادات لاله را نیز ذکر کرده است. (همان ۲/۲۳۷) در مورد نوافض لیبیان الروافض می توان گفت: اثری جدلی بر ضد شیعه است که میرمخدوم شریفی (م ۹۹۵) نوشته است. در مورد نسخه های این کتاب بنگرید به کتاب Eberhard که نسخ موجود این اثر را فهرست کرده است. نسخه دیگری از این اثر در کتابخانه Br.Mus. or. 7991 می باشد.

۳۰. برای نمونه ر. ک: شرح حال وی در امل الامل، منقول در روضات، ۳۳۸/۳.

۳۱. روضات، ۸۲/۷. مقایسه کنید با ریاض ۱۲۰/۲.

۳۲. برای نخستین بار در دوره صفویه، شهید ثانی به وجوب نماز جمعه فتوا داد. در مقابل با نظر وی نخست میرحسین کرکی در رساله اللهم فی امر صلاة الجمعة بر شهید تاخت و نسبت های ناروایی را بر شهید وارد کرد. بنگرید به: همو، نسخه خطی، کتابخانه مدرسه آیت الله العظمی گلپایگانی (ره)، مجموعه ۱۴۶، برگ ۹۸، الف ۹۹. سر تا سر این رساله رد شهید است. حدائق الناضرة، ۳۹۷/۹، عبارتی مشابه را نقل کرده و قائل آن را معرفی نکرده است. شاید این شخص مولی عبدالله

<

من قبل الجائر لنفع المؤمنين. (همان، ص ۱۹۲)

تونی (م ۱۰۷۱) باشد. بنگرید به رساله‌ی در نماز جمعه، در کتابخانه مجلس (بابی با عنوان فصل فی ذکر جماعة تو هموا منهم القول بالعینیه و الجواب عنها) فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس، ۸۷۵/۱۰. همچنین عبدالعالی بن محمود جابلقی که پدرش شاگرد محقق کرکی بوده در آخر رساله‌اش در باب نماز جمعه می‌نویسد: «و انما النزاع فی کونه عیناً أو کفائاً یکفی ان یقوم به بعض المؤمنین نموذ بالله من مقالة الحساد وذوی الجهل و اولی العناد طوبی لمن طلب العز و العلی ...». فهرست کتب اهدایی آقای سید محمد مشکاة، ۲۰۹۰/۳/۳. همچنین بنگرید به رساله‌ی الاعتذار فیض کاشانی فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ۱۴۸۴/۹.

۳۳. همین دیدگاه را آقای جعفر المهاجر در کنگره مجلسی ابراز کردند. اما به نظر می‌رسد مشروعیت صفویان اساساً مبتنی بر ادعای سیادت آنان و مشروع بودن حق سلطنت از نظر مردمان آن عصر باشد. به عنوان مثال بنگرید به: تکملة الاخبار، ص ۳۴، روضة الصفویه، ص ۵۶، ۵۹، ۶۶. گفتنی است نسابان دوره صفویه نیز همان نسب نامۀ مشهور مورد ادعای خود صفویان را در آثار خود یاد کرده‌اند. بنگرید به تحفة الازهار ۲/۲۲۴ به بعد. در بیشتر آثار این دوره حتی آثار فقهی، سیادت صفویان ذکر می‌شود. عادل الوشه معتقد است که این شواهد مبتنی بر همان نسب نامۀ ادعای صفویان می‌باشد. ر. ک:

Adel Allouche, The Origins and Development of the Ottoman - Safavid Conflict (906-962/1500-1555), Berlin 1983, p: 34-5

۳۴. به عنوان مثال افندی در مورد کرکی می‌نویسد: «و اما رساله‌ای در نماز جمعه که بخشی از شرح قواعد است ... و در آن رساله قول به وجوب تخیری بیان کرده است ... اما این به شرط حضور مجتهد است و او خود نماز جمعه را برپای می‌داشته؛ چرا که او نائب امام است. (ریاض ۲/۴۴۸) در حقیقت این اظهار نظر افندی، استنباط وی از ادعای نیابت در سخن کرکی است و نمی‌تواند شاهی بر عقیده کرکی محسوب شود.

۳۵. به عنوان مثال بنگرید به گفته میرمخدوم شریفی در نواقض که می‌نویسد: «و من هفواتهم المجتسه لزوم ترك الجمعة و الجماعات ... و ان ابن عبدالعال (مقصود محقق کرکی) نقل فی تالیفاته، اجماع الامامیه علی انه یشرط فی العقد الجمعة حضور الامام او نایبه و قد الف لمنع صلوة الجمعة رساله حتی ان زین الدین العاملی (مقصود شهید ثانی) الذی کان عنده علم الدنيا، علم ان ذلك سبب تنفی القلوب عن مذهبهم فکتب فی مقابلتها رساله تفید ضد ما قال ابن عبدالعال ... تلخیص نواقض، برگ ب ۳۶. از سوی دیگر ایشان نیز نقل کرده‌اند که تازمان شیخ الاسلامی حسین بن عبدالصمد (قزوین ۹۶۳) نماز جمعه برگزار نمی‌شده است. در مورد تاریخ ورود شیخ حسین به ایران و شرح حال وی بنگرید به:

Stewart, D.J. The First Shaykh Al-Islam of the Safavid Capital Qazvin, JAOS, 116.3, 1996, pp 387-405

این مقاله توسط راقم این سطور به فارسی ترجمه شده است. در مورد نظر کرکی بنگرید به: جامع المقاصد، ۲/۳۶۵ به بعد.

رساله شکوایه‌ای خود العقد الحسینی (العقد الطهماسیبه) بر برپایی نماز جمعه تأکید دارد و حداقل این امر را بستن باب اتهام اهل سنت به شیعه در ترك سنت نبوی بازگو می‌کند. ۳۶ عبارت مهمی که شیخ حسین در این بخش از رساله خود آورده است، نظر ما را به خوبی تأیید می‌کند. ایشان می‌نویسند: «و مما یتحتم فعله فی زماننا صلوة الجمعة، اما لدفع تشیع اهل السنة اذ یعتقدون انا نخالف الله و الرسول و اجماع العلماء فی ترکها و ظاهر الحال معهم، اما بوجوب التخییری و اما بطریق الوجوب الحتم ...». این عبارت به وضوح دلالت دارد که حتی کسانی که قائل به وجوب تخییری بوده‌اند، نماز جمعه را برگزار نمی‌کردند.

همان گونه که ذکر شد، اختلاف‌هایی در مورد مفهوم عاملی بودن وجود دارد؛ اما به نظر می‌رسد این نکته پذیرفتنی است که اگر کسی از طرف مادر با عاملی‌ها ارتباط یابد و از طرف پدر، ایرانی باشد، او را عاملی به حساب نیاوریم. ۳۷ با این حال آقای فرهانی، مجلسی را به دلیل آن که در شرح بر مشیخه کتاب من لایحضره الفقیه ۳۸ به دنبال اسم خود لقب عاملی را ذکر کرده است، جز فقهای عاملی به حساب آورده ۳۹ و بحث‌های مفصلی از برخورد‌های بین او و میرلوحی را ذکر کرده است. ۴۰

به نقل از نواقض الروافض (از طریق شیبی) نوشته‌اند: «وی (یعنی کرکی) به خاطر همگامی با غالی‌گری پیروان شاه اسماعیل، رساله‌ای در جواز سجده بر انسان نگاشت. «(ص ۱۰۸) نباید این مطلب را همگامی صرف کرکی با دربار تعبیر کرد. فقهای دیگری چون حسین بن عبدالصمد نیز از مشروعیت این عمل دفاع کرده‌اند. ۴۱ این مسأله یکی از موارد مورد اعتراض مخالفان صفوی به آنها بوده است. ۴۲ به نوشته خود نویسنده نواقض این عمل در زمان شاه طهماسب متوقف گردید. ۴۳

در مورد تلقی حداقل بخشی از عاملی‌ها، برخی از عبارت‌های شیخ حر عاملی مهم می‌باشد. او در باب جهاد، فصلی با عنوان باب حکم «الخروج بالسيف قبل قيام القائم» دارد که عملاً مشروعیت حکومت‌ها را در زمان غیبت رد می‌کند. (وسائل، تحقیق آل البیت، ۱۵/۵ به بعد) همچنین در بحث تجارت باب‌های با این عنوان ارائه کرده است: باب تحریم معونة الظالمین و لو بمدة قلم (۱۷/۱۷۷)، باب تحریم مدح الظالم دون رواية الشعر فی غیر ذلك (۱۷/۱۸۳)، باب تحریم صحبة الظالمین و محبة بقائهم (همان، ص ۱۸۵)، باب تحریم الولاية من قبل الجائر الا ما استثنی، (همان، ۱۸۷)، باب جواز الولاية

تأثیر فکری عاملی‌ها

پیش‌تر به نکاتی درباره اهمیت فکری عاملی‌ها اشاره شد. فعالیت عاملی‌ها در اوآن دوره صفوی باعث گردید که تا در نهایت مکتب اخباری‌گری بتواند به صورت یک مکتب غالب بر حوزه فکری تشیع سایه اندازد. در حالی که عاملی‌ها در احیای اخباری‌گری به نحو غیرمستقیم کمک فراوانی کردند، آقای فرهانی حرکت اخباری‌گری را پاسخی به دعاوی اجتهاد عاملی‌ها دانسته‌اند. (ص ۱۵۷، ۱۶۱) از عاملی‌هایی که در احیای توجه به حدیث در ایران نقش مهمی ایفا کرد و طلابه دار حرکت اخباری‌گری بود، شیخ حسین بن عبدالصمد است.^{۴۴} همچنین عاملی‌های اخباری‌مشرّب نیز در احیای این مکتب نقش مؤثری داشته‌اند.^{۴۵} در مورد برخورد عاملی‌ها با حرکات صوفیانه از نگارش کتابی توسط محقق کرکی با عنوان *مطائین المجرمیه فی الرد للصفویه آگاهی داریم*. گرچه متن کتاب برجنا نمانده است، بخش‌های قابل ملاحظه‌ای از آن را شاگرد کرکی یعنی محمد بن اسحاق بن محمد حموی در کتاب خود *انیس المؤمنین* (نوشته به سال ۹۳۸) نقل کرده است.^{۴۶}

نکته پایانی

نکات مثبت فراوانی در همه تحقیقات ذکر شده وجود دارد که عدم اشاره به همه آنها برای پرهیز از طولانی شدن نوشتار بوده است. مثلاً یکی از مطالب مهم در کتاب آقای فرهانی، انتشار بخش‌های از رساله الرحله نوشته شیخ حسین بن عبدالصمد می‌باشد.^{۴۷}

○

۳۶. *المقد الحسینی*، ص ۲۱۱-۲۱۲؛ فیض کاشانی، *الشهاب الثاقب*، قم ۱۴۰۱، ص ۵۰-۵۱، *حداائق الناضرة*، ۸۹/۹-۳۸۸. لحن بیان فقیهانی که بر برپایی نماز جمعه در این دوره تأکید دارند، کاملاً گویای مخالفت‌های شدید با برپایی آن می‌باشد. محمدباقر سبزواری (م ۱۰۹۰) در رساله نماز جمعه خود می‌نویسد: «مردم در اقامه نماز جمعه بیشترین اهمال را دارند؛ در حالی که این فریضه‌ای است بسیار مؤکد و مورد سفارش و هیچ مشکلی مثل تقیه در عدم برگزاری آن وجود ندارد. و چون کسی در برپایی این فریضه اصرار کند، او را مورد اهانت قرار می‌دهند...» (منقول در *الشهاب الثاقب*، ص ۵۳-۵۴؛ *الحداائق الناضرة*، ۳۹۱/۹)

۳۷. همان‌گونه که خود آقای فرهانی نیز، میرداماد را با وجود این که نوه دختری کرکی می‌باشد، غیر عاملی معرفی کرده‌اند، ص ۱۱۳.

۳۸. توضیح آقای مزوی در هنگام معرفی شرح مشیخه، باعث تقویت این مسأله شده است. آقای مزوی نوشته‌اند: «وی (مجلسی) نیاکان خویش را از جیل عامل می‌داند.» فهرست کتب اهدایی آقای سیدمحمد مشکاة، ۶۰۸/۲.

<

۳۹. مجلسی از طرف مادر، با عاملی‌ها ارتباط می‌یابد. (ریاض ۳/۱۸۶، ۴۴۲)

۴۰. موضوع از این قرار است که مجلسی رساله‌ای در اثبات «رجعت» می‌نویسد و در آن توجیهاتی در حمایت صفویه بیان می‌کند. میرلوحی نیز کتابی با عنوان *کفایة المهتدی فی اخبار مهدی* در رد تفسیرهای مجلسی نگاشت. بنگرید به کتاب آقای فرهانی ص ۱۲۵ به بعد. گزارش مفصل‌تر را مرحوم دانش پژوه در هنگام معرفی نسخه‌ای از کتاب کفایة المهتدی ارائه کرده است. بنگرید به فهرست کتب اهدایی آقای سیدمحمد مشکاة، ۱۲۰۳/۵/۳، ۱۲۱۱-۱۲۱۲، ۱۴۹۷-۱۵۰۶. میرلوحی تا آن‌جا پیش رفت که دستور داد سنگ قبری را که به دستور مجلسی بر قبر ابونعیم-که مجلسی ادعا داشت، از اجداد وی می‌باشد- خراب کنند. اشعار حک شده را صاحب روضات ذکر نموده است. روضات الجنات، ۲۷۵/۱.

۴۱. *المقد الحسینی*، ص ۱۹۹-۲۰۰، با استناد به داستان سوره یوسف. ۴۲. *ومن هفواتهم المجنه ما کتب ابن عبدالعالی فی تألیفاتہ موافقاً لسابقین من علمائهم و هو تجویز السجود للعبد تعظیماً، فسجد هو واتباعه ل شاه اسماعیل بن حیدر ... فصارت هذا عادتهم*. (تلخیص نواقض الروافض، برگ ب ۳۵)

۴۳. *النواقض لبیان الروافض*، برگ‌های 105a-b، به نقل از: Stewart, The First Shaykh al-Islam, p: 399 در مورد یک مسأله سوء تفاهمی دیگر نیز رخ داده است: استرآبادی رساله‌ای در طهارت خمر نگاشت و در آن از پاکی خمر دفاع کرد. در همان زمان نیز بر استرآبادی خرده گرفته بودند که برای خوشایند شاه این رساله را نگاشته است. ر.ک: فهرست کتب اهدای آقای سیدمحمد مشکاة، ۲۶۶۷/۵/۳. استرآبادی رساله را برای شاه عباس اول نگاشته است. بنگرید به فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملک، ۲۰۳/۹. برای بحث فقهی مسأله بنگرید به: *جواهر الکلام*، ۲/۶ به بعد؛ *تذکره الفقهاء*، علامه حلی، تحقیق آل‌البیته، ۱۴۱۴، ۶۴/۱؛ *مشرق الشمسین*، ص ۴۳۶، ۴۸-۴۴۷.

۴۴. سخن مؤلف نظام الاقول که افندی در مورد شیخ حسین نقل کرده است بدین قرار است: *و کان ممن جدد قراة کتب الاحادیث ببلاذ عجم*. (ریاض، ۱۱۸/۲؛ روضات، ۳۴۳/۲)

۴۵. مثلاً شیخ حسین بن شهاب الدین کرکی (م ۱۰۷۶) کتاب *هدایة الابرار الی طریقة الانمه الاطهار* را در دفاع از اخباری‌گری نگاشت. (ر.ک: ذریعه، ۱۶۷/۲۵) (این کتاب به چاپ رسیده است)

۴۶. *انیس المؤمنین*، تصحیح میرهاشم محدث، تهران، ۱۳۶۳، ص ۱۳۶، ۴۴-۴۲، ۱۴۷، ۱۵۲، ۱۸۶-۱۸۷، ۱۸۸. اصل فتوای کرکی و پاسخ او در مورد لعن ابومسلم ذکر شده است. (ص ۱۸۸-۱۸۹)

۴۷. در مراجعه به کتابخانه مجلس که این نسخه منحصر به فرد در آن‌جا وجود دارد، مسئولان محترم اطلاع دادند که خود در فکر انتشار آن هستند.